هفته وحدت؛ از یک ابتکار محلی تا یک گفتمان بین‌المللی!

هفته وحدت در جمهوری اسلامی ایران صرفاً یک مناسبت تقویمی نیست؛ بلکه محصول روندی است که از ایده همگرایی شیعه و اهل سنت آغاز شد و به‌تدریج به یک نهاد و گفتمان مستمر در عرصه تقریب مذاهب اسلامی تبدیل شد. برای شناخت دقیق پیشینه آن، باید میان ریشه‌های فکری وحدت اسلامی، نخستین تجربه عملی هفته مشترک، پیشنهاد رسمی نام‌گذاری آن و تبدیل‌شدن این ایده به یک برنامه سازمان‌یافته تمایز گذاشت.

اندیشه وحدت مسلمانان سابقه‌ای فراتر از جمهوری اسلامی و حتی فراتر از منازعات سیاسی معاصر دارد و در منابع اسلامی، بر اشتراک مسلمانان در توحید، نبوت، قرآن و قبله تأکید شده است. با این حال، در تاریخ معاصر ایران، اندیشه وحدت شیعه و اهل سنت به‌تدریج از سطح یک اصل اعتقادی و اخلاقی به یک رویکرد اجتماعی و سیاسی تبدیل شد؛ رویکردی که بر ضرورت کنار گذاشتن اختلافات فرعی در برابر مشترکات بنیادین و مصالح عمومی امت اسلامی تأکید داشت.

در این روند، یکی از نمونه‌های مهم به دوره تبعید آیت‌ا... سیدعلی خامنه‌ای در ایرانشهر بازمی‌گردد. بنا بر خاطراتی که ایشان سال‌ها بعد از آن دوره بیان کردند، با توجه به اختلاف میان شیعه و اهل سنت درباره تاریخ میلاد پیامبر اسلام(ص)، پیشنهاد شد فاصله میان دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول به فرصتی مشترک برای برگزاری جشن میلاد پیامبر(ص) تبدیل شود. این ایده در ایرانشهر مطرح شد و قرار بود شیعیان و اهل سنت در این فاصله زمانی در مراسم میلاد پیامبر(ص) مشارکت کنند. به این ترتیب، پیش از آنکه «هفته وحدت» به یک عنوان رسمی تبدیل شود، ایده یک مناسبت مشترک میان دو جامعه مذهبی در یک محیط واقعی و اجتماعی تجربه شد.

اهمیت این تجربه در آن بود که اختلاف در تاریخ میلاد پیامبر(ص) نه به‌عنوان عاملی برای جدایی، بلکه به‌عنوان ظرفیتی برای ایجاد ارتباط و مشارکت مشترک مورد توجه قرار گرفت. در این نگاه، احترام هر مذهب به باورهای خود، لزوماً به معنای نفی یا اهانت به باورهای مذهب دیگر نیست و می‌توان با حفظ هویت‌های مذهبی، بر اشتراکات بنیادی تأکید کرد. همین رویکرد بعدها یکی از مؤلفه‌های مهم ادبیات تقریب مذاهب اسلامی شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله وحدت شیعه و اهل سنت جایگاه روشن‌تری در گفتمان رسمی جمهوری اسلامی پیدا کرد. امام خمینی در مواضع متعدد، اختلاف‌افکنی میان شیعه و اهل سنت را مغایر با مصالح اسلام دانست و بر برادری مسلمانان تأکید کرد. در این چارچوب، وحدت صرفاً یک توصیه اخلاقی نبود، بلکه به‌عنوان یکی از الزامات حفظ مصالح عمومی مسلمانان و مقابله با تفرقه در جهان اسلام مطرح شد.

مرحله مهم بعدی در شکل‌گیری «هفته وحدت» به سال ۱۳۶۰ بازمی‌گردد. آیت‌ا... حسینعلی منتظری در نامه‌ای به وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیشنهاد کرد اختلاف موجود درباره تاریخ میلاد پیامبر(ص) به فرصتی برای ایجاد الفت میان شیعه و اهل سنت تبدیل شود و فاصله دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول به‌عنوان «هفته وحدت» در تقویم رسمی کشور قرار گیرد. این پیشنهاد با استقبال و حمایت امام خمینی مواجه شد و پس از طی مراحل قانونی، هفته وحدت به مناسبت رسمی جمهوری اسلامی تبدیل شد.

از این منظر، تاریخ شکل‌گیری هفته وحدت را نمی‌توان به یک فرد یا یک مقطع محدود کرد. ایده اولیه برگزاری یک هفته مشترک میان شیعه و اهل سنت پیش از انقلاب در ایرانشهر و در دوره تبعید آیت‌ا... خامنه‌ای مطرح و تجربه شد؛ و بعدها پس از انقلاب اسلامی ایران پیشنهاد تبدیل این ایده به یک مناسبت رسمی با عنوان «هفته وحدت» در سال ۱۳۶۰ از سوی آیت‌ا... منتظری ارائه شد و حمایت امام خمینی و فرایند رسمی جمهوری اسلامی زمینه تثبیت آن را فراهم کرد.

پس از آن، هفته وحدت از سطح یک مناسبت داخلی فراتر رفت و به یکی از نمادهای سیاست تقریب مذاهب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سال ۱۳۶۹ نیز مرحله تازه‌ای در این مسیر بود؛ زیرا مسئله تقریب را از برگزاری مراسم مناسبتی به عرصه‌ای سازمان‌یافته برای گفت‌وگو، همکاری علمی و ارتباط میان عالمان و نخبگان مذاهب اسلامی وارد کرد.

از این رو، پیشینه هفته وحدت را باید در یک فرایند تاریخی چندمرحله‌ای دید: ریشه‌های قرآنی و نبوی وحدت اسلامی، شکل‌گیری ادبیات معاصر وحدت، تجربه عملی ایده هفته مشترک در ایرانشهر، پیشنهاد رسمی نام‌گذاری هفته وحدت، حمایت امام خمینی و تثبیت آن در ساختار رسمی جمهوری اسلامی، و در نهایت گسترش آن در قالب نهادهای تقریب مذاهب اسلامی.

در این چارچوب، هفته وحدت تنها یادآور فاصله میان دو تاریخ نقل‌شده برای میلاد پیامبر اسلام(ص) نیست؛ بلکه تلاشی تاریخی برای تبدیل یک اختلاف تقویمی به یک فرصت ارتباطی و تبدیل مفهوم «امت اسلامی» از یک مفهوم نظری به عرصه‌ای از تعامل اجتماعی، علمی و فرهنگی میان مسلمانان است.